

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن - المان

## زبان دل

چشمی که به دیدار تو بینا شده باشد  
صد معجزه بهتر ز مسیحا شده باشد  
که طعنه به مجنون دهد ، و گاه به فرهاد  
هرکس به ره عشق تو رسوا شده باشد  
شیرین شود افسرده و ، لیلا به تب و تاب  
گر وعده دیدار تو ، مارا شده باشد  
یوسف که خودش دلبر و معشوق جهانست  
ترسم که ترا دیده زلیخا شده باشد  
تامرّده وصل ، از لب خندان تو صادر  
یک لحظه ، دوصد محشر برپا شده باشد  
هر عاشق شایسته و وارسته شب و روز  
در دشت و دمن ، واله و شیدا شده باشد  
هر تیر نگاهی که فرستی به سراغم  
زخم جگر و ، سینه مداوا شده باشد  
پروانه بسوزد ز وفا بال و پر خویش  
شمعی اگرش ، انجمن آرا شده باشد

هر شانه به سر زلفِ تو، بیتابِ جنون است  
گر حلقهٔ گیسوت ، چلیپا شده باشد  
این رسمِ وفا هست ، به قولِ همه خوبان  
هر روز اگر وعده به فردا شده باشد  
دل آب و جگر خون و روان اشک چو سیماب  
تا غنچهٔ تدبیر ، شگِ وفا شده باشد  
قند و عسل و شکر و هر میوهٔ شیرین  
کی بی لبِ لعلِ تو ، مرَبّا شده باشد  
عاشق به زبانِ دلِ معشوق ، بداند  
بی آنکه لبش ، بر سخنی وا شده باشد  
گر مرغِ دلی ، عزمِ پریدن به هوایت  
صد دام ، ز یک عشوه ، هویدا شده باشد  
در قافِ وفا می نپَرَد ، مرغِ وحشی  
جز شاهین و عقاب ، که عنقا شده باشد  
بر دست ، چلیپا و به لب ، ران و شلام است  
هندو و یهودی که ، نصارا شده باشد  
سنگِ دلِ جانانه شکستم به محبت  
از بس ز وفا ، سجده کفِ پا شده باشد  
قصه چه سان فاش کنم ، رازِ دلِ خویش  
بر منبر و محراب ، که بالا شده باشد  
در مذهبِ عشاق ، نه طاعت ، نه عبادت  
نه صوم و ، صلاتی که معما شده باشد  
« نعمت » هوسِ گرمیِ لب دارد و آغوش  
ای کاش که آن لحظه مهیا شده باشد